

مبانی فقهی و حقوقی سانسور با تأکید بر کتب ضالّه

سید محمد هاشمی^۱
سید احمد حبیب نژاد^۲
سیده فاطمه موسوی^۳

چکیده

آزادی اطلاعات و بیان از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین حقوق بشری و در زمره‌ی حقوق مدنی و سیاسی است که در قوانین اساسی کشورها و اسناد بین‌المللی مورد تأکید و تصریح قرار گرفته و با رشد و پیشرفت جامعه و تعالی انسان در ارتباط می‌باشد. این نوع از آزادی، مطلق نبوده و دارای حدود و ثغوری است؛ یعنی باید بتوان در برخی اخبار و اطلاعات، مطالبی را سانسور کرد. مقاله‌ی حاضر ضمن تحلیل مفهوم سانسور، به بررسی مبانی فقهی و حقوقی آن با تأکید بر «کتب ضالّه» که حرمت آن بین فقهای اسلام امری مسلم فرض شده است، می‌پردازد.

واژگان کلیدی: سانسور، کتب ضالّه، آزادی بیان، آزادی اطلاعات، آزادی مطبوعات.

۱. دکتری حقوق عمومی، عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی
۲. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
۳. کارشناس ارشد فقه مقارن با حقوق عمومی

درآمد

یکی از بحث‌برانگیزترین موضوعات در عصر کنونی، آزادی در بیان اخبار و اطلاعات و رساندن آن‌ها به مردم است. مهم‌ترین وسیله برای رساندن اطلاعات، رسانه‌ها هستند. اهمیت و نقش روزافزون رسانه‌ها در حیات اجتماعی انسان معاصر، غیر قابل انکار است و رسانه به یکی از اجزای ضروری و جدایی ناپذیر زندگی انسان‌ها تبدیل شده است. آگاهی اجتماعی، از مهم‌ترین ویژگی‌های زمان معاصر به شمار می‌رود. این آگاهی انسان را به زندگی فردی و جمعی علاقمند می‌سازد و توجه او را به آزادی‌ها و مسؤولیت‌هایش جلب می‌کند. نظر بر این که اعمال آزادی اطلاعات با وظایف و مسؤولیت‌هایی همراه است، ممکن است مشتمل بر شرایط و محدودیت‌هایی باشد. یکی از این محدودیت‌ها، سانسور است. مسأله‌ی سانسور از دیرباز در کشورها موجب محدودیت آزادی بیان شده است. در ایران نیز موضوع سانسور در رسانه‌های جمعی از زوایای حقوقی و قانونی شفاف‌ی بر خوردار نیست و مخالفان و موافقان سانسور، در مواردی راه افراط یا تفریط پیموده‌اند. به هر حال لزوم سانسور در رسانه‌ها در قانون هیچ کشوری حتی کشورهای مدعی دموکراسی نفی نشده است و تمام کشورها با توجه به فرهنگ، ارزش‌ها و اعتقادات خود، بر رسانه‌های جمعی نظارت داشته و آزادی مطلق به آن‌ها اعطا نکرده‌اند. دولت‌ها سانسور را در زمینه‌های مختلف اخلاقی، سیاسی و امنیتی، از حقوق مسلم خود دانسته و به این حق در قوانین تصریح نموده‌اند.

امروزه در حقوق کشورهای پیشرفته، مبحث جدیدی با عنوان «حقوق سانسور»^۱ مطرح گردیده و توجه حقوق‌دانان و قانون‌گذاران را به خود معطوف داشته است. به ویژه آن که با گسترش دنیای ارتباطات و اینترنت، امکان سانسور و به کار گرفتن روش‌هایی آشکار برای اخلاف در ارتباطات دشوار شده است (هاشمی، ۱۳۸۳: ۳). در این زمینه پرسش‌هایی مطرح است از جمله آن که مبانی فقهی و حقوقی سانسور چیست و رویکرد حقوقی ایران نسبت به این محدودیت چه می‌باشد؟ پژوهش حاضر پاسخ این پرسش را با توجه به دلایل حرمت «کتب ضالّه» بیان می‌دارد.

۱. مفهوم سانسور

سانسور^۱ کلمه‌ای فرانسوی به معنای بررسی و جلوگیری از پخش اطلاعات و دانش در مفهوم عام آن در سطح جامعه است که از طرف دستگاه دولتی رهبری می‌شود. بُرد سیاسی و اجتماعی این واژه، معمولاً در رابطه با آزادی بیان است (رحیق اعضان، ۱۳۸۴: ذیل واژه‌ی سانسور).

سانسور تحدید آزادی بیان با هر وسیله‌ای است که باعث اختلال در ارتباط از سوی فرستنده به گیرنده شود. انگیزه‌ی انجام سانسور، ایجاد ثبات در جامعه یا بهبود وضعیت آن به گونه‌ای است که سیطره‌ی دولت بر امور را محقق سازد. شرط تحقق سانسور آن است که افراد، سازمان‌ها یا مقامات حکومتی و سیاسی با طرح و برنامه‌ی قبلی بنا به دلایلی در روند ارتباطی بین فرستنده تا گیرنده اختلال ایجاد کنند.

۲. سانسور: اصل یا استثنا

آزادی بیان یکی از آزادی‌های عمومی و اساسی بشر است. یکی از شاخصه‌های آزادی بیان، آزادی در جست‌وجوی فعال اطلاعات از منابع آن است. لذا حق دسترسی افراد، به اخبار و اطلاعات صحیح داخلی و خارجی و آزادی مطبوعات، چاپ و نشر و ایجاد موسسات انتشاراتی، جز لاینفک این گونه آزادی‌هاست.

یکی از مهم‌ترین کارکردهای آزادی بیان، ایجاد رابطه بین مردم و حکومت است. این نوع آزادی باعث اصلاح کارها، جلوگیری از کژروی‌ها، تحقق کنترل و نظارت مردم بر کارهای دولت و جلب مشارکت عمومی در حل مشکلات جامعه است. این مهم به دست نمی‌آید، مگر این که مردم از جریان امور آگاه بوده باشند تا در تصمیم‌گیری‌های حکومت مشارکت نمایند.

برای تحقق آزادی بیان در بین شهروندان، لازم است دیدگاه‌های علیه حکومت اجازه‌ی نشر بیابند. لازمه‌ی «حق دانستن»، ایجاد نهادهایی قوی برای حمایت از این حق است: لذا باید ترتیبی اتخاذ شود تا سیستم‌هایی که راه را برای «اعمال نفوذ» باز می‌گذارند، برچیده شود (کین، ۱۳۸۳: ۱۵۴).

یکی از نهادهایی که با مشارکت عموم در تعیین سرنوشت سیاسی، اجتماعی،

1. Censorship

فرهنگی و اقتصادی جامعه ارتباط تنگاتنگ دارد و در اسلام نیز از جایگاه والایی برخوردار است، اصل شورا می‌باشد. هدف نظام سیاسی اسلام، رشد دادن انسان در حرکت تکاملی و رسیدن به قسط و عدل در تمامی ابعاد زندگی است که جز از طریق مشارکت فعال و گسترده‌ی تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه‌ی سیاسی نمی‌تواند تحقق یابد (عمید زنجانی، ۱۳۷۷: ۴۶۳). اصل دیگری که در اسلام مورد تأکید قرار گرفته و مستلزم تقویت آزادی اطلاعات می‌باشد، امر به معروف و نهی از منکر است. اسلام مسلمانان را موظف نموده با تشخیص «معروف» و «منکر» در راه گسترش معروف و زدودن منکر، پیکره‌ی جامعه و نظام اسلامی را از انحرافات داخلی و خارجی حفظ نمایند. لذا افراد باید بتوانند به اطلاعات و اخباری که مربوط به جامعه و منافع عمومی است، دسترسی داشته باشند. امر به معروف و نهی از منکر در اصل هشتم قانون اساسی^۱ مورد تأکید قرار گرفته است.

از اسناد بین‌المللی که بر آزادی اطلاعات و حق آگاهی مردم از اخبار و اطلاعات تأکید نموده است، ماده‌ی ۱۹ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر^۲ است که مقرر می‌دارد: «هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد. این در برگیرنده‌ی آزادی داشتن عقیده بدون مداخله، آزادی در جست‌وجو، دریافت و انتقال اطلاعات و عقاید از طریق هر نوع رسانه‌ای بدون در نظر گرفتن مرزها است». همچنین در بند ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده است: «هر کس از حق آزادی عقیده و بیان بدون هیچ‌گونه مداخله‌ای برخوردار می‌باشد. این حق مشتمل بر آزادی جست‌وجو، دریافت و رساندن اطلاعات و اندیشه‌ها از هر نوع، شفاهی یا کتبی، چاپ به صورت هنری یا به هر وسیله‌ی دیگر فارغ از ملاحظات مرزی می‌باشد».

طبق این مواد، دستیابی به اطلاعات در خصوص مسائل داخلی و بین‌المللی، و همچنین آزادی مطبوعات و چاپ از حقوق مردم در بهره‌گیری از اطلاعات در نظام مردم‌سالاری و دموکراتیک برشمرده می‌شود، اما در برخی موارد لازم است، در این اطلاعات و اخبار تحدیدی صورت گیرد و در آن محدودیت‌هایی اعمال شود که به آن

۱. «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت، شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند».

2. Universal Declaration of Human Rights

سانسور گفته می‌شود.

امروزه حکومت‌هایی که خود را دموکراتیک و برخاسته از اراده‌ی مردم می‌دانند، «گزارش دهی» به مردم را یکی از وظایف مهم خود می‌دانند و آزادی‌های مدنی به‌ویژه حق آگاهی مردم از اخبار و اطلاعات را از حقوق اساسی مردم به شمار می‌آورند و معتقدند این آزادی‌ها را نمی‌توان مضیق یا محدود کرد، مگر به حکم قانون. «اختفاء و تمایل صاحب منصبان به پنهان‌کاری، نتیجه‌ای جز پرورش زمینه‌ی سوءاستفاده از قدرت، سوء مدیریت و استبداد در پی نخواهد داشت. بر اساس همین مبانی، هیچ دولتی نمی‌تواند رسماً حق مردم در بهره‌مندی از اطلاعات را انکار کرده یا ضرورت شفافیت بخشیدن به اقدامات مقامات عمومی را به عنوان یک اصل بنیادین دموکراسی و پاسخ‌گو بودن دولت در برابر ملت رد کند.

در خصوص این مهم، رسانه‌ها از نقش کلیدی برخوردار هستند. این نهادهای اطلاع‌رسانی همگانی، به عنوان یک دیده‌بان و ناظر اقدامات مسئولان، نقش موثری در بالا بردن جریان اطلاعات به روی مردم ایفا می‌کنند. گاه طبقه‌ی حاکم با پنهان‌کاری مانع از فعالیت نهادهای اطلاع‌رسانی می‌گردد و یا با وضع قوانین، به محدود کردن بیش از حد آزادی بیان بر مبنای معیارهای غیر معقول همت می‌گمارد» (حبیبی، ۱۳۸۲: ۶۹-۶۸). برخی حکومت‌ها به بهانه‌ی «امنیت ملی» حدود اختیارات رسانه‌ها را تعیین، بر گزارش‌های رسمی خبری نظارت نموده و بعضی اطلاعات را تحت عنوان «اطلاعات محرمانه» طبقه‌بندی می‌کنند. آن‌ها اسناد عمومی را از بین می‌برند. مکالمات تلفنی بعضی شهروندان را شنود می‌کنند (کین، ۱۳۸۳: ۱۱۹). شناسایی آزادی بیان و اطلاعات به عنوان یک حق، ایجاب می‌نماید محدود کردن این آزادی‌ها با سانسور و ممیزی به نحو استثنایی و همراه با توجیه باشد.

مخالفان سانسور معتقدند افرادی که به سانسور مطالب می‌پردازند، آن‌چه را برای خود غیر مفید و غیر اخلاقی تشخیص می‌دهند، به همه‌ی افراد جامعه سرایت داده و بیشتر به سلیقه‌ی شخصی عمل می‌کنند، در حالی که دریافت‌کننده‌ی اطلاعات و پیام حق دارد درستی و نادرستی پیام‌ها و اطلاعات را تشخیص دهد و لذا نیازی به نظارت قانونی از طرف سازمان یا دولت نیست. مخالفان سانسور می‌گویند، سانسور مانند مبارزه‌ای یک طرفه است، که هر دو طرف شرکت کننده، از شرایط

برابر برخوردار نیستند؛ زیرا یک طرف آن حکومت است که همیشه غالب می‌باشد. «سانسور مبارزه را نابود نمی‌کند بلکه آن را یک جانبه می‌کند، مبارزه‌ای آشکار را به مبارزه‌ای پنهان تبدیل می‌کند؛ سانسور حقیقی که بر ذات آزادی مطبوعات استوار است، همانا نقد است (مارکس، ۱۳۸۴: ۹۴-۹۵).

در مقابل، موافقان سانسور آن را نوعی نظارت بر اعمال رسانه‌ها و مطبوعات می‌دانند و سانسور را، حد و مرز آزادی بیان می‌دانند. این گروه معتقدند که رسانه‌های جمعی و مطبوعات به طور اخص باید دارای حدود و ثغوری باشند.^۱ قانونمند کردن سانسور، علاوه بر کنترل منطقی مطبوعات و رسانه‌ها، موجب می‌شود که از اعمال سلیقه‌ی برخی از عوامل دولتی در این زمینه جلوگیری شود و این در بسیاری از موارد، به نفع مطبوعات و رسانه‌ها خواهد بود.

در تعدیل این دو دسته دیدگاه، باید نه آن‌چنان سخت‌گیرانه برخورد نمود که آزادی بیان که حق مسلم مطبوعات و رسانه‌هاست به مخاطره افتد و نه آن‌چنان بی‌مبالا بود که بی‌بندوباری‌ها و اعمال خلاف اخلاق و عقلانیت رواج یابد (هاشمی، ۱۳۸۳: ۹).

با توجه به مطالب ذکر شده، سانسور یک استثناء نسبت به اصل آزادی بیان و اطلاعات می‌باشد و این استثناء باید دارای حدود و ثغوری مشخص باشد؛ به گونه‌ای که اصل را از بین نبرد. سانسور چنان‌چه به نحو صحیح انجام پذیرد، منافعی نیز در بر دارد. اگر معتقد باشیم که کتاب یا هر وسیله‌ی ارتباطی دیگر هرگز اخلاق کسی را فاسد نکرده، ناگزیر باید قبول کنیم که کتاب در راه اصلاح و پرورش ذهن هیچ فردی هم مؤثر نبوده است و یا به عبارتی دیگر باید قبول کنیم که هنر اخلاقاً چیزی

۱. امام خمینی (ره)، می‌فرماید: «مطبوعات باید یک مدرسه سیار باشند ... به طور کلی، مطبوعات باید یک بنگاه هدایت باشد؛ یعنی به صورتی که اگر دست مردم بیفتد مردم هدایت شوند.» (صحیفه نور، ج ۱۸: ۶۵). ایشان هم‌چنین انتخاب افراد برای مطبوعات را امری مهم می‌دانند و می‌فرمایند: «انتخاب افراد برای مطبوعات امر مهمی است ... نوشته‌هایی که می‌خواهید طرح بشود چند نفری را که یقین دارید آدم‌های مستقیم هستند و در مسیر ملت و کشور هستند، وابستگی به هیچ‌جا ندارند، مطالعه و درست در آن دقت کنند و بعد از دقت، در روزنامه یا مجله نوشته شود ... اگر کسی افکارش منحرف بود. و حالا بیاید ادعا بکند که من برگشته‌ام ما باید قبول بکنیم، اما نباید او را مجله نویسنده کنیم. این دو با هم فرق دارد ...» (همان، ج ۱۳: ۲۴۹). هم‌چنین در مورد چاپ مقالات می‌گویند: «این مقالات را با دقت، در یک شورایی که خودتان تاسیس می‌کنید مطالعه کنید ... یک نفر نه، یک شورایی باشد، یک جمعیتی باشد که مقالات را درست تحت نظر قرار گیرد.» (همان، ج ۱۴: ۵۱).

بی ارزش و بی اهمیت است و تعلیم و تربیت هم موضوعی غیر قابل توجه در جهت اصلاح جامعه است (دستگردی، ۱۳۵۴: ۲۰۰-۱۹۴).

۳. کتب ضالّه به عنوان نمادی از سانسور مشروع

مسأله‌ی کتب ضالّه از دیر باز در فقه مطرح شده و فقها حرمت «کتب ضالّه» را مسلم گرفته‌اند. این مسأله در منابع فقهی شیعه در خلال مباحث مکاسب محرّمه و برخی مباحث دیگر بررسی شده است. مسأله‌ی «کتب ضالّه» برای نخستین بار توسط شیخ مفید در «المقنعه» مطرح شد. ایشان دو عنوان «کفر» و «کتب ضلال» را مطرح نموده و حکم به عدم حلیت حفظ کتب کفر و ضلال این کتب داده است.^۱

۳-۱. مفهوم کتب ضالّه

ضلال در اغت به معنای ضد هدایت و به معنی گم شدن و پنهان شدن نیز آمده است» (فیروزآبادی، بی تا: ۵). مراد از کتب ضلال، کتاب‌هایی است که خواننده را گمراه می‌کند و مفسده دارند؛ خواه هدف اصلی نویسنده گمراهی مردم باشد یا نباشد. منظور از ضلال اعم از ضلال در اصول و فروع دین است. پس اگر بر حفظ کتب ضلال مفسده‌ی گمراهی و انحراف عقاید یا اخلاق و یا احکام اسلامی مترتب شود، حرام است (انصاری، ۱۴۱۰: ۸۳).

منظور از کتب در این جا، تنها شامل نوشته‌ها نمی‌شود، بلکه هر نوع شیوه‌ی انتقال پیام را دربر می‌گیرد. مانند آن که ارائه‌ی مطلب به صورت مکتوب و شفاهی از راه امواج صوتی در قالب خبر یا گزارش یا انشاء انجام می‌شود. همچنین است ارائه از طریق تصویر و شبیه‌سازی، تعزیه‌خوانی، هنرپیشگی و حرفه‌های وابسته و تصویرگری در عرصه‌ی تلویزیون، ویدئو، تئاتر، سینما، لوح‌های فشرده‌ی رایانه‌ای و شبکه‌ی اینترنت. در این خصوص گفته شده است پیام ممکن است به شکل جوهر روی کاغذ، امواج صوتی در هوا، جریان برق، تکان دادن دست یا پرچم یا هر نوع علایمی

۱. «و لایحل کتب الکفر و تخلید الصحف الاّ لإثبات الحجج فی فساد و التکسب بحفظ کتب الضلال و کتبه علی غیره ما ذکرناه» (مفید، ۱۴۱۰: ۵۸۹) «حفاظت از کتب کفر جز برای اثبات فسادش حلال نیست و کسب از راه حفظ کتب ضالّه و نگارش آن به غیر از آن چه گفته شد حرام است».

باشد که قادر به تفهیم معنی باشد (محسنیان راد، ۱۳۶۹: ۱۸۹). لذا لفظ «کتاب» موضوعیت نداشته و حکم مطرح شده توسط فقهای عظام، هر وسیله‌ای انتقال پیام را دربر می‌گیرد. در تأیید این سخن گفته‌اند: «لفظ کتب به کتاب اختصاص ندارد. پس حفظ غیر کتاب از آن چه شأنیت گمراه‌سازی داشته باشد، حرام خواهد بود. بنابراین بهتر است که عنوان را اعم بگیریم و اگر فقها عنوان کتاب را انتخاب کرده‌اند، به خاطر این است که کتاب از مصادیق غالب وسیله‌ای انتقال پیام است (یزدی، ۱۳۷۸: ۲۳). هم‌چنین آورده‌اند: «کتب ضالّه اختصاص به کتاب ندارد، بلکه شامل عکس‌ها، فیلم‌ها، رادیوها و ... نیز می‌شود» (مکارم شیرازی، ۱۴۱۵: ۲۴۲).

۲-۳. دلایل حرمت کتب ضالّه

علما بر حرمت کتب ضلال به دلیل‌های چهارگانه استناد کرده‌اند. از آیات قرآنی که بر حرمت کتب ضلال دلالت دارند، آیه‌ی ۶ سوره لقمان^۱ است که می‌فرماید: «بعضی از مردم سخنان بیهوده را می‌خرند، تا مردم را از روی نادانی از راه خدا گمراه سازند و آیات الهی را به استهزاء گیرند، برای آن‌ها عذابی خوار کننده است». هم‌چنین آیه‌ی ۳۰ از سوره‌ی مبارکه‌ی حج^۲ که به دوری از سخن باطل امر کرده است. «لَهُوَ الْحَدِيثُ» از آیه‌ی نخست مفهوم وسیع و گسترده‌ای دارد که هر گونه سخن و آهنگ‌های سرگرم‌کننده و غفلت‌زا که انسان را به بیهودگی یا گمراهی می‌کشاند، در بر می‌گیرد (مکارم شیرازی و جمعی از همکاران، ۱۳۷۰: ۱۳). در آیه‌ی دوم نیز به اجتناب از «قول زور» توصیه شده است. کلمه‌ی «زور» به معنای باطل و انحراف از حق است و «قول زور» عبارت از هر سخن باطل و منحرف از حق است (همان: ۱۵).

روایات زیادی بر حرمت و انتشار کتب ضلال دلالت می‌کنند، از جمله فرمایش امام باقر علیه‌السلام است که «هر کس راه و روشی از گمراهی را آموزش دهد، گناه همه‌ی عمل‌کنندگان به آن بر دوش او نیز هست و هیچ عملی سبب سبک شدن بار این گناه آن‌ها نخواهد شد»^۳.

۱. «و من الناس من يشتري لهو الحديث ليضل عن سبيل الله بغير علم و يتخذها هزواً أولئك لهم عذاب مهين».

۲. «و اجتنبوا قول الزور».

۳. «من علم باب ضلال كان عليه مثل اوزار من عمل به و لا ينقض اولئك من اوزارهم شيئاً» (حرانی، ۱۴۰۴: ۳۹۰).

دلیل دیگر اجماع است. همه‌ی فقها بر حرمت کتب ضالّه فتوا داده‌اند (انصاری، ۱۴۱۰: ۸۳). دلیل عقل نیز می‌گوید که ماده و ریشه‌ی فساد را باید قطع کرد. خطرناک‌ترین ماده‌ی فسادِ فکری و اعتقادی که حیات انسانی جامعه را تهدید می‌کند، کتب ضلال است (همان‌جا). ادله‌ی حرمت اقتضاء دارد هر آن‌چه گمراهی داشته باشد، حرام باشد، کم باشد یا زیاد؛ نوشته شده باشد یا خیر. لذا در مسالک و جامع المقاصد تصریح شده که باید موضع گمراهی را نابود کرد و در هر حال مراد از کتاب ضلال، هر کتاب گمراه کننده و غیر رشاد است» (نجفی، ۱۳۶۷: ۱۵۴).

۴. مبانی سانسور

پس از تبیین مفهوم سانسور و پذیرش استثناء بودن آن بر اصل آزادی بیان و اطلاعات، با نگاهی به مفهوم کتب ضلال و دلایل فقها بر حرمت آن، در این جا به بررسی دلایل قانونی بودن سانسور یعنی مبانی فقهی و حقوقی آن با تأکید بر کتب ضالّه می‌پردازیم.

۴-۱. مبانی فقهی سانسور

باتوجه به مطالب ذکر شده، به طور خلاصه برخی از مبانی فقهی سانسور را برمی‌شماریم:

۴-۱-۱. اصل گفتار أحسن

گفتار أحسن یکی از اصولی است که مقدم بر آزادی بیان است. نه تنها گفتار أحسن، قول و گفتار را محدود نمی‌کند، بلکه آن را ارتقاء می‌دهد؛ تا آن جا که در بسیاری از روایات، سکوت بر سخنی که خیری در آن نیست ترجیح دارد. خداوند متعال می‌فرماید: «و قولوا للناس حسناً»^۱ و «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و قولوا قولاً سدیداً»^۲. روایات متعددی نیز از معصومین علیهم‌السلام این مهم را گوشزد می‌کند. رسول خدا صلی‌الله علیه و آله می‌فرماید: السکوت خیر من املا الشر و املاء الخیر من

۱. بقره: ۸۳.

۲. احزاب: ۷۰.

السکوت (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۹۶).

راویان و محدثان گاهی حدیثی را « صحیح » می‌دانستند، اما با این احتمال که ممکن است مردم عامی گمراه شوند، از بیان آن روایت خودداری می‌کردند. شیخ صدوق در این باب می‌فرماید: با آن که در این باره از محدثان احادیث صحیح در دست است، اما برای پرهیز از گمراهی و کفرورزی نادانان از نقل آن‌ها خودداری می‌کنم» (ابن بابویه قمی، ۱۳۸۷: ۱۱۹).

۲-۱-۴. ترویج بدعت در دین

آیات متعددی از قرآن کریم، عرضه‌ی آزاد بعضی اندیشه‌ها و افکار را برای دین و ایمان مردم مضر به شمار می‌آورد و ترویج این نوع اندیشه‌ها را موجب تحیر، گمراهی و بی‌دینی مردم می‌داند. مرحوم مجلسی ضمن نقل حدیثی از رسول اکرم صلی‌الله علیه و آله در خصوص ضلالت بودن هر نوع بدعت و این‌که هر ضلالتی رو به آتش دارد،^۱ می‌گوید: «از روش‌ها و راه‌هایی که کج روان و منحرف سازان در انتقال اطلاعات و پیام گمراه کننده، از آن بهره می‌جویند، استفاده از مغالطات لفظی و منطقی است تا با آن، مطلب ناصواب و ناحق را حق جلوه دهند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۲)

۳-۱-۴. ممنوعیت افشای اسرار و وجوب دفاع از حیثیت نظام

هر نظامی دارای اسراری است که بر کتمان و مستور ماندن آن از دید نامحرمان می‌کوشد. آن کس که مبادرت به افشا یا کشف این اسرار نماید، خائن محسوب می‌شود و باید آزادی بیان از وی سلب می‌شود.

قرآن کریم از پخش اطلاعات امنیتی مسلمانان نهی نموده و انتشار اسرار نظام اسلامی و مسلمانان را، گرچه به انگیزه‌ی دلسوزانه باشد، خیانت نامیده و مردم را از خیانت به خدا و رسول، که در این جا یکی از مصادیق آن، افشای اسرار اسلام می‌باشد، برحذر داشته است.^۲

۱. «... ألا و کل بدعه ضلاله و کل ضلاله فقی النار».

۲. «یا ایها الذین آمنوا لا تخونوا الله و الرسول و تخونوا أمانتکم و أنتم تعلمون» (انفال: ۲۷) «ای مؤمنان به خداوند

نکته‌ای که می‌بایست مورد دقت قرار گیرد این‌که، مرز بین خیرخواهی و توطئه، یعنی مرز بین اموری که نشر آن موجب آگاهی مردم و تقویت نظام می‌گردد و مطالبی که انتشار آن، مایه‌ی ضعف و سستی نظام می‌باشد، بسیار دقیق است که باید به درستی تشریح شود.

۴-۱-۴. حرمت توهین به مقدسات و اشخاص

در حقوق اسلام توهین به انسان، مسلمان یا غیرمسلمان که موجب خدشه‌دار نمودن حیثیت مردم می‌شود، ممنوع اعلام شده است. خداوند در قرآن کریم، اهانت و دشنام دادن به مخالفان و حتی به بت‌هایی که از سوی عده‌ای جانشین الوهیت و ربوبیت ایشان شده‌اند را جایز نمی‌داند.^۱

توهین ساده فقط نسبت به افراد ارتکاب می‌یابد، اما در توهین به مقدسات مخاطب توهین‌کننده ممکن است ذات اقدس الهی، اشیا و اماکن یا ازمنه‌ی مقدس و اعتقادات مقدس باشد. در کشورهایی که حقوق آن‌ها مبتنی بر مذهب نیست، سانسور کم رنگ‌تر است. با این وجود، در برخی کشورهای غربی مانند انگلستان، توهین به مقدسات دین مسیحیت (و نه سایر ادیان) جرم است و در محدوده‌ی سانسور قرار دارد.

۴-۲. مبانی حقوقی سانسور

با توجه به دلایل حرمت کتب ضالّه، و حدود و ثغوری که در قوانین اساسی و عادی و همچنین اسناد بین‌المللی حقوق بشری برای آزادی بیان و مطبوعات ذکر شده است، می‌توان مبانی حقوقی سانسور را برشمرد.

اصل ۲۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دو محدوده‌ی اساسی شامل

و پیامبرش خیانت نورزید».

۱. «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَلَيْهِمْ ثُمَّ إِلَى رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (انعام: ۱۰۸) «(ای مؤمنان) به معبودها و بت‌هایی که مشرکان به جز خدا می‌پرستند، دشنام ندهید تا آنان (مبادا خشمگین شوند) تجاوز کارانه و جاهلانه خدای را دشنام دهند. همان‌گونه برای هر ملتی و گروهی کردارشان را آراسته‌ایم. عاقبت بازگشت‌شان به سوی خدایشان است و خداوند آنان را از آنچه که کرده‌اند آگاه می‌سازد».

«عدم اخلال به مبانی اسلام» و «عدم تغایر با حقوق عمومی» را حاکم بر آزادی مطبوعات نموده است.

در فصل چهارم قانون مطبوعات جمهوری اسلامی ایران نیز محدودیت‌هایی آمده است مانند آن‌که: مطالب نباید برخلاف موازین اسلامی، امنیت و منافع جمهوری اسلامی باشد یا موجب اشاعه‌ی فحشا و منکرات، اهانت به مقدسات اسلام و مقامات، فاش نمودن اسناد و مسائل محرمانه باشد.

در برخی اسناد بین‌المللی نیز محدودیت‌هایی در این زمینه پیش‌بینی شده است. در بندهای ۱ و ۲ ماده‌ی ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بر آزادی عقیده و حق آزادی بیان و اطلاعات تأکید شده است و در بند ۳ محدودیت‌های آزادی‌های اخیر را خاطر نشان ساخته است: احترام به حقوق و حیثیت دیگران، حفظ امنیت ملی، نظم عمومی یا سلامت و یا اخلاق عمومی.

ماده‌ی ۲۰ میثاق مواردی را اضافه نموده است: هرگونه ترغیب به کینه و تنفر ملی یا نژادی یا مذهبی که محرک تبعیض یا مخاصمه و یا اعمال زور باشد، به موجب قانون ممنوع است.

این موارد، از دیدگاه فقهی مصادیقی از کتب ضلال می‌باشد و در یک دسته‌بندی می‌توان انواع دلایل و توجیهات حقوقی ارائه شده برای حمایت از سانسور را این گونه آورد:

۱-۲-۴. امور مرتبط با استقلال و امنیت ملی کشور

حمایت از امنیت ملی، مهم‌ترین استثناء در آزادی بیان و اطلاعات است. از اهداف و وظایف اساسی حقوق، تأمین و تضمین امنیت در جامعه است. اگر امنیت در جامعه نباشد، آن جامعه نمی‌تواند از سایر حقوق شهروندان مانند حقوق سیاسی و مدنی آنان حمایت کند. امنیت ممکن است در عرصه‌های مختلف فردی، ملی در معرض تهدیدهای داخلی یا خارجی باشد. با این که میان عرصه‌های مختلف امنیت، ارتباط متقابل وجود دارد، اما در این بین، امنیت ملی از اهمیت بالاتری برخوردار است؛ زیرا بستر لازم برای دیگر امنیت‌ها و از موجبات شکوفایی حقوق و آزادی‌های اساسی بشری است. از این رو، در کشورهای مختلف جهان، اهمیت امنیت ملی تا

اندازه‌ای زیاد است که در صورت تعارض با دیگر حقوق و آزادی‌های شهروندی، بر آن غلبه می‌یابد و آن‌ها را محدود یا معلق می‌کند (انصاری، ۱۳۸۷: ۱۶۳).

۴-۲-۲. امور ضروری برای حفظ حریم خصوصی

حریم خصوصی، قلمروی از زندگی هر فرد است که آن فرد نوعاً یا عرفاً با اعلان قبلی، انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی به اطلاعات راجع به آن قلمرو دسترسی نداشته باشند یا به آن قلمرو وارد نشوند و به آن تعرض نکنند (همان: ۱۹۷). هدف از این آزادی، دفاع از آزادی و استقلال فردی و آبرو و حیثیت افراد می‌باشد. علاوه بر این، حمایت و دفاع از حریم خصوصی، شرایط لازم برای رشد و تکامل شخصیت افراد را فراهم می‌کند. حفظ حریم خصوصی رابطه‌ی تنگاتنگی با کرامت انسانی دارد (همان: ۲۰۱ - ۲۰۰).

۴-۲-۳. امور خلاف اخلاق عمومی و نظم عمومی

نظم عمومی مجموعه نیازهای بنیادین اجتماعی، سیاسی و ... است که برای عمل به منافع عمومی، محافظت از امنیت، محافظت از آداب عمومی، سیر اقتصادی و حتی حمایت از بعضی از مصالح خاص ضروری به شمار می‌آید (کوزنو، ۱۹۹۸: ۲۹۲). اخلاق نیز آداب و رسوم اجتماعی جامعه و به معنای چیزی است که مردم به آن عادت کرده‌اند و در افکار و وجدان عمومی جامعه پسندیده است» (ساکت، ۱۳۷۱: ۱۰۴). با توجه به تعریف‌های مذکور نباید مطلبی در رسانه‌های جمعی نوشته شود که خلاف آداب و رسوم یک منطقه یا کشور و یا منافع عمومی باشد (بند ۲ ماده‌ی ۲۹ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، بند ۳ ماده‌ی ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند ۸ ماده‌ی ۶ قانون مطبوعات جمهوری اسلامی ایران).

۴-۲-۴. توهین به مقدسات مذهبی، فرهنگی و..

بندهای ۷ و ۸ ماده‌ی ۶ قانون مطبوعات به منع انتشار این موارد پرداخته است و از آن‌جا که در قسمت مبانی فقهی به این مورد پرداخته شد، از تکرار مطلب خودداری می‌شود.

۵-۲-۴. امور موجب اختلاف و جنگ بین ملت‌ها و نژادهای مختلف

انتشار مطلبی که منجر به اختلاف بین نژادها در یک کشور شود و در نتیجه نظم عمومی و امنیت در آن جامعه را مختل نماید؛ و یا منجر به اختلاف بین چند کشور و جنگ و منازعه گردد، ممنوع است. ماده‌ی ۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و بند ۴ ماده‌ی ۶ قانون مطبوعات جمهوری اسلامی ایران به این مهم اشاره کرده است.

این محدودیت‌ها و استثناهای مختلفی که برشمرده شد، در صورتی قابل قبول هستند که از نظر حقوقی «مشروع» باشند یعنی طبق اصول و قواعد حقوق، پیش‌بینی شده باشند. قواعدی که مشروعیت سانسور بر اساس آن سنجیده می‌شود، در صورتی موجه و مشروع است که طبق بند ۲ ماده‌ی ۲۹ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و همچنین ماده‌ی ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر سه شرط ویژه، هم‌زمان تأمین شده باشد. اما این که «محدوده‌ی ارزیابی و تشخیص» دولت‌ها در این زمینه چه اندازه است، یا به عبارتی، دولت‌ها تا چه حد می‌توانند این شرایط را بررسی کرده و آزادی‌ها را محدود سازند، اهمیت بسیار دارد. شرایط ذکر شده عبارتند از:

۱. دولت باید بر اساس قانون استوار باشد؛
۲. دولت‌ها مجازند محدودیت‌هایی را اعمال کنند که در یک جامعه‌ی دموکراتیک ضروری تلقی می‌شود؛
۳. این دخالت‌ها باید برای تأمین حقوق و آزادی‌ها، نظم عمومی و اخلاق عمومی و منافع همگانی و پیش‌گیری از تجاوز افراد به حقوق و آزادی‌های دیگران باشد یعنی دارای اهداف مشروع باشد.

۵. رویکرد حقوقی ایران نسبت به سانسور

در کشور جمهوری اسلامی ایران سانسور جرم شناخته می‌شود، اما مفهوم سانسور و روش‌های آن تبیین نشده است هر کسی که قدرت اثرگذاری داشته باشد و از قدرتش برخلاف آن حدود قانونی استفاده کند، مرتکب سانسور شده است. در کشور ایران تحقق و اجرای آزادی مطبوعات با اجازه‌ی قبلی است. یعنی دولت اجرای آزادی را منوط به کسب اجازه‌ی قبلی از مقامات صلاحیت‌دار می‌کند.

مانند تأسیس و انتشار یک روزنامه که به تشخیص مقامات اداری واگذار می‌شود (انصاری لاری، ۱۳۷۵: ۱۲۶). تبصره‌ی ۲ ماده‌ی یک قانون مطبوعات مقرر می‌دارد: «نشریه‌ای که بدون أخذ پروانه از هیأت نظارت بر مطبوعات منتشر گردد از شمول قانون مطبوعات خارج بوده و تابع قوانین عمومی است». نکته‌ی درخشانی که در قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ وجود دارد، ممنوع شمردن سانسور است. در فصل سوم، ماده‌ی ۴ این قانون آمده است: «هیچ مقام دولتی و غیر دولتی، حق ندارد برای چاپ مطلب یا مقاله‌ای در صدد اعمال فشار بر مطبوعات برآید و یا به سانسور و کنترل نشریات، مبادرت کند». البته مفاد این ماده به صورت کلی، انشاء شده است و در آن فقط به حق ممنوعیت مقامات از وارد کردن فشار بر مطبوعات، سانسور و کنترل نشریات، اشاره گردیده است. به همین لحاظ، با آن که این ماده، بر خلاف ماده‌ی ۲۹ لایحه‌ی قانونی مطبوعات مصوب مرداد ۱۳۵۸، علاوه بر مقام‌های دولتی، به مقام‌های غیر دولتی نیز توجه کرده است، اما به سبب عدم پیش‌بینی مجازات برای مرتکبان چنین اعمالی، از قاطعیت لازم و ضمانت اجرای صریح و مشخصی برخوردار نیست (معتد نژاد، ۱۳۸۱: ۲۲۳). هم‌چنین واژه‌ی «فشار» مبهم است. آیا یک تلفن تهدیدآمیز از سوی یک مقام غیر دولتی و یا همراه با تحکم از سوی یک مقام دولتی برای چاپ مطلب یا مقاله‌ی مورد نظرش «فشار» محسوب می‌شود؟ آیا «فشار» یک خطر و یا احضار به دادگاه است؟ (انصاری لاری، ۱۳۷۵: ۱۶۵)

با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان گفت، در ایران سانسور و ممیزی محدود به محدودیت‌های مندرج در قانون است. مانند مطالب خلاف امنیت ملی یا مطالب حاوی توهین به مقدسات و یا مستلزم تجاوز به حریم خصوصی.

یافته‌های پژوهش

آزادی بیان و اطلاعات از مصادیق حقوق اساسی بشر است که در اسلام نیز مورد پذیرش قرار گرفته است، بنابراین تحدید این آزادی‌ها یا سانسور نیاز به توجیه دارد. این محدودیت‌ها در اسلام و در قوانین داخلی کشورها و اسناد بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است و تنها اختلاف آن‌ها در محدوده‌ی اعمال آن است. سانسور یا تحدید آزادی بیان یک استثناء بر اصل آزادی بیان و اطلاعات می‌باشد. بنابراین می‌بایست تحت شرایط و قوانین خاصی اعمال شود؛ چرا که به لحاظ حقوقی، استثناء باید به طور «مضیق» تفسیر شود.

یکی از توجیهات سانسور در اسلام، کتب ضلال است که موجب انحراف عقیدتی می‌شود. سانسور باید دارای مبانی باشد که بر اساس آن بتوان این استثناء را به اصل وارد کرد. مبانی فقهی عبارتند از: اصل گفتار أحسن، ترویج بدعت در دین، ممنوعیت افشای اسرار نظام و توهین به اشخاص و مقدسات. مبانی حقوقی سانسور نیز علاوه بر دلایل حرمت کتب ضالّه، از قوانین اساسی و عادی و همچنین بسیاری از اسناد بین‌المللی حقوق بشری استناد می‌شود که عبارتند از: آن‌چه در رابطه با استقلال و امنیت ملی کشور است؛ آن‌چه برخلاف اخلاق عمومی و نظم عمومی است؛ آن‌چه باعث اختلاف و جنگ بین ملت‌ها می‌باشد.

محدوده‌ی اختیار حکومت در امر سانسور، تا جایی است که قانون مشخص کرده است و حکومت حق ندارد هر آن‌چه را که به مصلحت خود است، بر مردم تحمیل کند. گاه حکومت‌ها عناوینی چون «حفظ مصلحت عمومی»، «امنیت عمومی» و «اخلاق و عفت عمومی» را به عنوان دستاویزی برای سانسور و ممیزی قرار می‌دهند. از این رو تصویب قوانینی که به طور مشخص و دقیق این مفاهیم را تعریف کند، ضروری است؛ تا بدین ترتیب از سوءاستفاده‌ی دولتمردان جلوگیری شود.

فهرست منابع

- ۱- قمی، علی بن الحسین ابن بابویه، *التوحید*، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۷۸ هـ.ق.
- ۲- انصاری، شیخ مرتضی، *المکاسب*، جلد نخست، بیروت، موسسه النعمان، ۱۴۱۰ هـ.ق.
- ۳- انصاری، باقر، *آزادی اطلاعات*، تهران، دادگستر، چاپ نخست، ۱۳۸۷.
- ۴- انصاری لاری، محمد ابراهیم، *نظارت بر مطبوعات در حقوق ایران*، تهران، سروش، چاپ نخست، ۱۳۷۵.
- ۵- حبیبی، محمد حسن، «بررسی حق آگاهی مردم به عنوان یک حق اساسی»، *حقوق اساسی*، سال نخست، شماره ۱، نخست، ۱۳۸۲.
- ۶- حرانی، ابن شعبه؛ *تحف العقول عن آل رسول (ص)*، موسسه النشر الاسلامی لجماعه المدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۴ هـ.ق.
- ۷- حق شناس، علی محمد و دیگران، *فرهنگ معاصر هزاره*، تهران، مؤسسه فرهنگ معاصر، ۱۳۸۶.
- ۸- دستگردی، وحید، *آیا سانسور مطبوعات و دیگر وسایل ارتباط جمعی لازم است؟*، ارمان، شماره ۴، ۱۳۵۴.
- ۹- رحیق اعضان، علی و مارک گلی، *دانش نامه در علم سیاست*، تهران، صبا، ۱۳۸۴.
- ۱۰- ساکت، محمد حسین، *حقوق شناسی (دیباچه ای بر دانش حقوق)*، مشهد، نخست، چاپ نخست، ۱۳۷۲.
- ۱۱- صافی گلپایگانی، لطف الله، *هدایه العباد*، قم، بی نا، ۱۴۱۶ هـ.ق.
- ۱۲- عمید زنجانی، عباسعلی، *فقه سیاسی*، جلد نخست، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷.
- ۱۳- فیروز آبادی، مجدالدین، *القاموس المحيط*، جلد چهارم، بیروت، دارالعلم، بی تا.
- ۱۴- الکیالی، عبدالوهاب، *الموسوعة السیاسیه*، جلد دوم، بیروت، موسسه العربیه للدراسات و النشر، ۱۹۹۱.
- ۱۵- کورنو، جیرار، *المعجم المصطلحات القانونیه*، جلد نخست، برگردان: منصور القاضی، بیروت، موسسه الجامعه للدراسات و النشر و التوزیع، ۱۹۹۸ م.
- ۱۶- کین، جان، *رسانه ها و دموکراسی*، برگردان: نازنین شاه رکنی، تهران، طرح نو،

- چاپ نخست، ۱۳۸۳.
- ۱۷- مارکس، کارل، *سانسور و آزادی مطبوعات*، برگردان: حسن مرتضوی، تهران، اختران، چاپ نخست، ۱۳۸۴.
- ۱۸- مجلسی، محمد باقر، *بحارالانوار*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ هـ.ق.
- ۱۹- محسنیان راد، مهدی، *ارتباط شناسی*، تهران، سروش، ۱۳۶۹.
- ۲۰- معتمدنژاد، کاظم، *حقوق مطبوعات*، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
- ۲۱- مفید، ابی‌عبدالله محمد بن نعمان، *المقنعه*، قم، چاپ انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۴۱۰ هـ.ق.
- ۲۲- مکارم شیرازی، ناصر، *انوار الفقاهه*، قم، هدف، چاپ نخست، ۱۴۱۵ هـ.ق.
- ۲۳- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران؛ *تفسیر نمونه*، جلد هفدهم، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۷۰.
- ۲۴- نجفی، محمد حسن، *جواهر الکلام*، جلد دوازدهم، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، الطبعة الثالثة، ۱۳۶۷.
- ۲۵- هاشمی، سیدحسین، *حقوق سانسور در رسانه‌ها*، رواق اندیشه، شماره‌ی ۲۷، اسفند ۱۳۸۲.
- ۲۶- هاشمی، سیدحسین، *تئوریزه کردن سانسور یا ترویج ول‌انگاری*، رواق اندیشه، شماره‌ی ۳۲، مرداد ۱۳۸۳.
- ۲۷- یزدی، سید محمد کاظم، *حاشیه‌المکاسب*، قم، اسماعیلیان، ۱۳۷۸.